

جابر جعفی، ابومحمد جابر بن یزید (د ۱۲۸ق/۷۴۶م)، محدث مفسر، فقیه و متکلم کوفی، و از اصحاب برجسته امام باقر و امام صادق(ع). او کوفی و از خاندان جعفی، یکی از تیره‌های قبیله مذحج بود که از یمن به کوفه کوچ کردند (کشی، ۱۹۲؛ سمعانی، ۲/ ۶۷-۶۸؛ ابن منظور، ذیل جعف؛ برای اختلاف در تاریخ وفات وی، نک: بخاری، ۲/ ۲۱۰؛ طوسی، رجال، ۱۲۹؛ ابن حجر، تهذیب... ۱۵۴/۱، تهذیب... ۴۴/۲).

اشاره نجاشی به جابر با عنوان عربی قدیم (ص ۱۲۸)، احتمالاً بر عدم پیوستگی جابر به خاندان جعفی از نوع ولاء و یا به علت ازدواج بوده است (نک: موحد، ۴۳/۵). نقلی نادرست از ابن قتیبه نیز در خلط تام او با جابر بن زید، سبب ازدی خواندن او شده است (طوسی، همانجا؛ قس: ابن قتیبه، المعارف، ۴۵۳، ۴۸۰؛ نیز تستری، ۵۴۳/۲).

اگرچه در روایتی به جوان بودن جابر در نخستین دیدار با امام باقر(ع) در زمان امامت ایشان (۹۴-۱۱۴ق/۷۱۳-۷۳۲م) اشاره شده است (نک: کلینی، ۴۷۲/۱؛ کشی، همانجا)، اما روایت وی از صحابه‌ای چون جابر بن عبدالله انصاری (ه م) و اکابر تابعین، این تاریخ را قدری به عقب می‌راند. بر همین اساس موحد ابطحی ولادت او را در حدود سال ۵۰ ق آورده است (۴۷-۴۵/۵).

در منابع به این مطلب اشاره شده که هشام بن عبدالملک اموی فرمان به قتل جابر جعفی داده، و او با تظاهر به دیوانگی جان خود را نجات داده است (کلینی، ۳۹۶/۱-۳۹۷؛ کشی، ۱۹۴-۱۹۵). او فرزند محدثی به نام اسماعیل داشته که از امام باقر(ع) (ابن بابویه، من لایحضره... ۵۱۶/۳-۵۱۷)، امام صادق(ع) (عیاشی، ۱۴۷/۲-۱۴۸)، و امام کاظم(ع) (حمیری، ۳۰۹) روایت کرده است.

جابر به عنوان یک تابعی (طوسی، همانجا) از برخی اصحاب پیامبر(ص) و عمدتاً از ابوظفیل عامر بن واثله لیشی (طبرانی، ۱۸۷/۴؛ ابن بابویه، التوحید، ۲۱؛ ابن عساکر، ۲۴۲/۴۲) و جابر بن عبدالله انصاری (ابن بابویه، الامالی، ۱۲۴-۱۲۵، کمال الدین... ۲۵۴-۲۵۳، ۳۹۴؛ خزان، ۶۶-۶۷) روایت کرده است؛ اما بیشتر دانش خود را در مدینه از امام باقر(ع) دریافت کرده، و چنان‌که خود گفته، ۱۸ سال نزد آن امام شاگردی کرده است (طوسی، همان، ۲۹۶). وی از آن حضرت حدود ۷۰ هزار حدیث شنیده که حدود ۵۰ هزار از آن را برای کسی بازگو نکرده است (مسلم، ۱۵/۱-۱۶؛ نک: مدرسی، ۱/ ۸۷).

او محضر امام صادق(ع) را احتمالاً در عراق درک کرده، و روایاتی نیز از ایشان داشته است (شهرستانی، ۱۶۶/۸؛ برای

مسند، قاهره، ۱۳۱۳ق؛ احمد بن محمد بن عیسی، التواریخ، قم، ۱۴۰۸ق؛ الاختصاص، منسوب به شیخ مفید، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ق؛ بخاری، محمد، التاریخ الکبیر، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م؛ هو، صحیح، به کوشش مصطفی دیب الیفا، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ برقی، احمد، «الرجال»، همراه رجال ابن داوود حلی، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۳، به کوشش عبدالعزیز دوری، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م، ج ۲، به کوشش شلوسینگر، بیت المقدس، ۱۹۷۱م؛ ترمذی، محمد، سنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، ۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م؛ بی: الصحیح، منسوب به ابن همام اسکافی، قم، مدرسه الامام المهدی (ع)؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۴ق؛ حمیدی، عبدالله، المسند، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت/قاهره، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م؛ حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، به کوشش مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۴۱۳ق؛ خزاز، علی، کتابت الاثر، قم، ۱۴۰۱ق؛ خلیفه بن خیاط، اللقیات، به کوشش اکرم ضیاء عمری، ریاض، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م؛ دینوری، احمد، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۶۰م؛ ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شیب ارتووط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م؛ سید مرتضی، علی، الانتصار، قم، ۱۴۱۵ق؛ هو، المسائل الناصریات، تهران، ۱۴۱۷ق؛ سیوطی، الدر المنثور، قاهره، ۱۳۱۴ق؛ شافعی، محمد، الام، بیروت، دارالمعرفه؛ صفار، محمد، بصائر الدرجات، تهران، ۱۴۰۴ق؛ طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی بن عبدالجید سلفی، بغداد، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م؛ طبری، تاریخ، هو، تفسیر، بیروت، ۱۴۰۵ق؛ طحاروی، احمد، اختلاف العلماء، متن مختصر، به کوشش عبدالله تذیر احمد، بیروت، ۱۴۱۷ق؛ طوسی، محمد، الخلاف، به کوشش محمد مهدی نجف و دیگران، قم، ۱۴۱۷ق؛ فهو، رجال، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۷م؛ هو، مصباح المتوحد، تهران، ۱۳۳۹ق؛ طرابلسی، سلیمان، مسند، بیروت، دارالمعرفه؛ عاصم بن حمید، «اصل»، ضمن الاصول الستة عشر، قم، ۱۴۰۵ق؛ عید بن حمید، المسند، به کوشش صبحی بدری سامرایی و محمود محمد سعیدی، قاهره، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ علی بن اسباط، «التواریخ»، ضمن الاصول الستة عشر، قم، ۱۴۰۵ق؛ قته الرضایع، مشهد، ۱۴۰۶ق؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، به کوشش آصف فیضی، قاهره، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م؛ کتاب سلیم بن قیس، به کوشش محمد باقر انصاری، قم، ۱۴۱۵ق؛ کشی، محمد، معرفة الرجال، اختیار طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ق؛ کوفی، محمد، مناقب امیر المؤمنین (ع)، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۲ق؛ مالک بن انس، الموطأ، به کوشش محمد نژاد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۰ق/۱۹۵۷م؛ مروزی، محمد، اختلاف العلماء، به کوشش صبحی سامرایی، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ مزنی، یوسف، تحفة الاشراف، بیروت، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م؛ هو، تهذیب الکمال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله؛ سعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م؛ مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد نژاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۵م؛ مفید، محمد، الارشاد، قم، ۱۴۱۳ق؛ هو، الامالی، به کوشش حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ق؛ هو، الجمل، به کوشش علی میر شریفی، قم، ۱۴۱۳ق؛ هو، مسار الشیعة، به کوشش مهدی نجف، بیروت، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م؛ هو، المسائل الصغانیة، قم، ۱۴۱۳ق؛ مقدسی، مطهر، البدء و التاریخ، به کوشش گلنار هوار، پاریس، ۱۹۱۶م؛ نصر بن مزاحم، وقعة صفین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ق؛ نعمانی، محمد، الفیفة، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ نووی، یحیی، تهذیب الاسماء و اللغات، قاهره، ۱۹۲۷م؛ واحدی، علی، اسباب نزول الآیات، قاهره، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م؛ واقدی، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶م؛ هروی، علی، الاشارات السن معرفة الزیارات، به کوشش ژ. سوردل تومین، دمشق، ۱۹۵۳م؛ یحیی بن معین، التاریخ، روایت دوری، به کوشش احمد محمود نور سیف، مکه، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م؛ یعقوبی، احمد، التاریخ، بیروت، ۱۳۹۷ق/۱۹۶۰م.

احمد پاکچی

1. Modarressi

ISAM DM.

258040

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵ . نهم، تهران، ۱۳۹۵

Cabir b. Yazid al-Ju'fi

B-TORALOGU

Watt, İslam d.üs. teş. devri, 62

Câbir b. Yezîd

Hadîmî, el-Minhâj, II-412

297.45

HALİM

24 TEM 2011

Cabir b. Yazid

215 AHMADVAND, Abbas, ALE YASIN, Sayyed
Hesamuddin & TAVOOSI MASROOR, Saeed. The
scholarly contributions of Jabir ibn Yazid al-Ju'fi.
Journal of Shi'a Islamic Studies, 3 iii (2010)
pp.261-281. (A great authority on the religious
sciences of his time.)

WATSON UNIVERSITY LIBRARY
1000 W. UNIVERSITY BLVD
WATSON, COLO. 80521

Tradition and Survival

A BIBLIOGRAPHICAL SURVEY OF
EARLY SHĪ'ITE LITERATURE

VOLUME ONE

HOSSEIN MODARRESSI



ONEWORLD
OXFORD

TRADITION AND SURVIVAL: A BIBLIOGRAPHICAL SURVEY
OF EARLY SHĪ'ITE LITERATURE

Oneworld Publications
(Sales and Editorial)
185 Banbury Road
Oxford OX2 7AR
England

www.oneworld-publications.com

© Hossein Modarressi 2003 ✓

All rights reserved.
Copyright under Berne Convention
A CIP record for this title is available from the British Library

ISBN 1-85168-331-3 ✓

Cover design by Saxon Graphics, Derby, UK
Typeset by LaserScript Ltd, Mitcham, UK
Printed and bound in China by Sun Fung Offset Binding Co. Ltd

near
PJ
7519
S45
M625
2003
V.1

Contents

<i>Preface</i>	xiii
I 'Alī and His Personal Associates	1
1. 'Alī b. Abī Ṭālib	2
2. Fāṭima al-Zahrā'	17
3. Abū Rāfi'	22
4. 'Ubayd Allāh b. Abī Rāfi'	25
5. Rabī'a b. Sumay'	33
6. 'Alī Zayn al-'Ābidīn	33
7. Muḥammad al-Bāqir	37
II Kūfan Shī'ism in the Umayyad Period	39
1. Maytham al-Tammār	42
2. Ḥārith al-A'war	45
3. Aṣbagh b. Nubāta	59
4. Kumayl b. Ziyād	74
5. Zayd b. Wahb	80
6. Sulaym b. Qays al-Hilālī	82
7. Jābir al-Ju'fī	86
8. Ibn Abī Ya'fūr	103
9. Sālim b. Abī Ḥafṣa	105
10. Abān b. Taghlib	107

BOĞAZIÇI
ÜNİVERSİTESİ
KÜTÜPHANESİ



457823



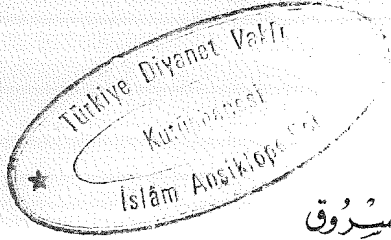
MADDE KATILIM
SAYI
KİTAP
KİTAP

27 MAYIS 2003

Şia
-Abī Ebu Ṭalīb
-Hz. Fatıma
-Ebu Rāfi'
-Zaynelabidin
-Muhammed Bahir
-ibn-Musem
-Kumayl b. Ziyad.
-Zayd b. Vehb.
-Cabir et-Cufi
-Zāzān -230088



تفسير سفيان الثوري



للامام أبي عبد الله سفيان بن سعيد بن مسروق
الثوري الكوفي
المتوفى سنة ١٦١ هـ - ٧٧٧ م

رواية أبي جعفر محمد عن أبي حذيفة النهدي عنه

صححه ورتبه وعلق عليه

راجع النسخة وضبط أعلامها

لجنة من العلماء بإشراف الناشر

دار الكتب العلمية
بيروت - لبنان

CABIR el-CU'FI (198) أبو عبد الله (أو أبو محمد) جابر بن يزيد بن الحارث الجعفي الكوفي . من رواة الترمذي وأبي داود وابن ماجه . روى عن الشعبي ومجاهد وطائفة ، وعنه السفينان وخلق . وثقه الشوري وشعبة ووكيع وغيرهم . قال الثوري : « كان جابر ورعا في الحديث . ما رأيت أروع في الحديث من جابر » . وقال وكيع : « لولا جابر الجعفي ، لكان أهل الكوفة بغير حديث » . وقال ابن

297.212
SUF.T

Das „Buch der Schatten“

Die Mufaḍḍal-Tradition der Ġulāt
und die Ursprünge des Nuṣairiertums

Von Heinz Halm (Tübingen)

II. Die Stoffe

Der erste Teil unserer Untersuchung ging den Wegen jener extrem-schiitischen Überlieferung nach, die sich auf die geheimen Offenbarungen beruft, die der Kufier al-Mufaḍḍal b. ‘Umar al-Ġu‘fi vom Imam Ġa‘far aṣ-Ṣādiq erhalten haben soll. Wir sahen, daß diese von der imamitischen Orthodoxie als „Übertreibung“ (*ġulūw*) verworfene Lehrtradition von al-Mufaḍḍals Schüler Muḥammad b. Sinān (gest. 220/835) ihren Ausgang nahm, sich von Kufa aus über den ganzen Irak und seit dem Beginn des 4./10. Jahrhunderts auch nach Syrien ausbreitete und sich schließlich in den rivalisierenden Sekten der Iṣhāqiten und der Nuṣairier verfestigte, deren letztere bis heute in Syrien fortbesteht. Überlieferungen dieser „ketzerischen“ Tradition hat uns die imamitische *riġāl*-Literatur vor allem in den Abschnitten über die einzelnen *ġulāt* bewahrt; gelegentlich finden sich weniger verfängliche *ġulāt*-Traditionen dieser Art, sofern sie theologisch unbedenklich waren, sogar in den Traditionssammlungen der Imamiten selbst, wie etwa im *Kāfi* des Kulīnī. Zudem sind die nuṣairischen Sammlungen wie die von R. STROTHMANN teilweise edierten Hss. Hamburg 303 und 304¹⁾ wahre Fundgruben für Überlieferungsgut des ältesten kufischen *ġulūw*.

Wenn die mündliche Tradition das wichtigste Vehikel der Ausbreitung der angeblichen Mufaḍḍal-Lehren war — wir sind den Lehrer-Schüler-Filiationen in Teil I nachgegangen — so gab es daneben doch auch schon früh literarische Fixierungen der dem Mufaḍ-

¹⁾ R. Strothmann, *Esoterische Sonderthemen bei den Nuṣairi*, in: Abh. d. Dt. Akad. d. Wiss. zu Berlin, Kl. f. Sprachen, Literatur und Kunst, Jahrgang 1956, Nr. 4 (Berlin 1958); ders., *Seelenwanderung bei den Nuṣairi*, in: *Oriens* 12/1959/89—114.

‘Abdallāh und des Ġābir b. Yazīd — Gott sei ihnen beiden gnädig, denn sie waren daran unschuldig!“

Bei Sa‘d b. ‘Abdallāh al-Qummī (schrieb vor 292/905) heißt der Mann nicht b. al-Ḥarīṭ, sondern ‘Abdallāh b. ‘Amr b. al-Ḥarb al-Kindī⁶⁾; bei dem Mu‘taziliten an-Nāsi’ al-Akbar (gest. 293/906) erscheint der Name in der Form ‘Abdallāh b. Ḥarb⁶⁾. Alle drei Quellen bringen sein Auftreten mit der Revolte des häšimitischen Prätendenten ‘Abdallāh b. Mu‘āwiya in Verbindung.

2. Die Revolte des ‘Abdallāh b. Mu‘āwiya

Im Muḥarram des Jahres 127 (Okt./Nov. 744), auf dem Höhepunkt der Krise des umayyadischen Reiches nach dem Tode des Kalifen Yazīd III, erhob sich in Kufa der Hāšimit ‘Abdallāh b. Mu‘āwiya b. ‘Abdallāh b. Ġa‘far b. Abī Ṭālib, unterstützt von einem Teil der kufischen Schiiten⁷⁾. ‘Abdallāh, der angeblich aus rein privaten Gründen mit seinen Brüdern al-Ḥasan und Yazīd in Kufa weilte⁸⁾, soll von den Kufiern zum Aufstand gedrängt worden sein mit dem Argument, die Banū Hāšim seien des Kalifats würdiger (*aulā bil-amr*) als die Banū Marwān, d.h. die Umayyaden⁹⁾; sie holten ihn aus seinem Quartier, huldigten ihm und geleiteten ihn in die Zitadelle. Der Statthalter des Irak, ‘Abdallāh b. ‘Umar (der Sohn des Kalifen ‘Umar II), residierte in al-Ḥira südlich von Kufa; sein Bruder ‘Ašim mußte aus der Stadt weichen.

Die Erhebung des Hāšimiten war nach Auskunft der Quellen ein Werk der Ši‘a und des „Pöbels“ (*ġauġā’ an-nās*); ein Klient (*maulā*) der Banū ‘Iġl namens Hilāl b. Abī l-Ward wird als Rädelsführer genannt¹⁰⁾. Nur wenige Vertreter der arabischen Stämme schlossen sich dem Aufstand an, und auch diese korrespondierten heimlich mit dem

⁶⁾ *Maqālāt* 26, Z. 12; 41 Z. 1 (dagegen 28, Z. 7: Ibn Ḥarb). Da der Name al-Ḥarīṭ stets den Artikel hat, Ḥarb dagegen nie, ist die bei Qummī vorkommende Form al-Ḥarb mit Sicherheit auszuschließen; sie erklärt sich leicht als aus der defektiven Schreibung von al-Ḥarīṭ verlesen. Zur Namensform vgl. Friedlaender, in: JAOS 29, S. 124.

⁷⁾ J. van Ess, *Frühe mu‘tazilitische Häresiographie. Zwei Werke des Nāsi’ al-Akbar*, Wiesbaden 1971, arab. Text S. 37—40, Nr. 55b — 59.

⁸⁾ Ṭabarī II, 1879ff.; Abū l-Faraġ al-Iṣfahānī, *Aġānī* XI, 66 ff.; ders., *Maqātil at-Ṭālibīyīn*, ed. Kāzīm al-Muzaḥfar, an-Naġaf 1358/1965, 111—116; Wellhausen, *Das arabische Reich*, 239—241; Art. ‘Abd Allāh b. Mu‘āwiya, in: EI² (Zotterstéén).

⁹⁾ Ṭabarī II, 1879, Z. 18f.; 1881, Z. 4ff.

¹⁰⁾ Ebd. 1880, Z. 2f.

¹¹⁾ Ebd. 1883.

- Nusayriyye

- Mufavvika

- Ḥaffabiyye

DOKÜMANTASYON MERKEZI

- Ġaliyye

- ‘Abdallāh b. Mu‘awiye

- Ḥariciler

- Ḥawbiyye

- Ismailiyye

- Ġābir b. Yazīd

- et-‘u‘fi

NOT: mohlens degen: ‘ABDULLAH b. MU‘AWIYEPOSEBINDER.

القرن الثاني ٢٩١

اختص بالإمام أبي جعفر محمد الباقر عليه السلام ^(١)، وأخذ عنه علماء جمًّا، كما أخذ عن الإمام أبي عبد الله جعفر الصادق عليه السلام.

وروى عن: الشهيد زيد بن علي، وجابر بن عبد الله الأنصاري، وأبي الطفيل عامر بن وائلة الكنائي، وعمّار الدهني، وسويد بن غفلة، وآخرين.

وكان واسع الرواية، غزير العلم.

ألف كتباً، منها: التفسير، والفضائل، ومقتل أمير المؤمنين عليه السلام، ومقتل الحسين عليه السلام، وصفين، والنوادر، وغيرها.

توفي بالكوفة سنة ثمان وعشرين ومائة ^(٢).

روى المترجم عن الباقر عليه السلام أنه قال: يا جابر إن الله تبارك وتعالى لا نظير له ولا شبيهه، تعالى عن صفة الواصفين، وجلّ عن أوهام المتوهّمين، واحتجب عن أعين الناظرين، لا يزول مع الزائلين، ولا يافل مع الآفلين، ليس كمثل شيء وهو السميع العليم ^(٣).

ولالإمام الباقر عليه السلام وصية لجابر، نقتطف منها ما يلي:

واعلم بأنك لا تكون لنا ولياً حتى لو اجتمع عليك أهل مصرك، وقالوا: إنك رجل سوء لم يحزنك ذلك، ولو قالوا: إنك رجل صالح لم يسرك ذلك، ولكن اعرض نفسك على كتاب الله، فإن كنت سالكاً سبيله، زاهداً في تزهيده، راغباً في ترغيبه، خائفاً من تخوفه، فائت وأبشر، فإنه لا يضرك ما قيل فيك، وإن كنت مبائناً للقرآن، فماذا الذي يغرك من نفسك؟

١. وكان إذا حدّث عن الباقر عليه السلام يقول: حدّثني وصي الأوصياء. ميزان الاعتدال.

٢. وقيل: سنة (١٢٧هـ).

٣. الصدوق، التوحيد، ١٧٩، باب نفي الزمان والمكان والحركة عنه تعالى، الحديث ١٣.

٢٩٠ معجم طبقات المتكلمين/ج ١

DDP SAYING LINDIKTAN
VRA VELEN DOKUMAN

١٨

الجعفي*

(١٢٨هـ...)

02 ARA 2006

جابر بن يزيد بن الحارث الجعفي، الكوفي، التابعي، أحد كبار علماء الشيعة.

قال السيد حسن الصدر في حقّه: المتبحر في أصول الدين والفقه والتفسير والآثار على مذهب أهل البيت.

* طبقات ابن سعد ٦/٣٤٥، طبقات خليفة ٢٧٦ برقم ١٢٢١، تاريخ خليفة ٣٠٢ (سنة ١٢٧هـ)، التاريخ الكبير ٢/٢١٠ برقم ٢٢٢٣، رجال البرقي ٩، ١٦، الجرح التعديل ٢/٤٩٧ برقم ٢٠٤٣، رجال الكشي ١٦٩ برقم ٧٨ (مؤسسة الأعلمي - كربلاء)، الكامل لابن عدي ٢/١١٣ برقم ١/٣٢٦، رجال النجاشي ١/٣١٣ برقم ٣٣٠، رجال الطوسي ١١١ برقم ٦ و ١٦٣ برقم ٣٠، فهرست الطوسي ٧٠ برقم ١٥٨، معالم العلماء ٣٢، المنتظم لابن الجوزي ٧/٢٦٧ برقم ٦٩١، رجال ابن داود ٨٠ برقم ٢٨٦، رجال العلامة الحلي ٣٥ برقم ٢، تهذيب الكمال ٤/٤٦٥ برقم ٨٧٩، ميزان الاعتدال ١/٣٧٩، تاريخ الإسلام (سنة ١٢١ - ١٤٠هـ) ٥٩، تهذيب التهذيب ٢/٤٦، التحرير الطاووسي ٦٨ برقم ٧٨، مجمع الرجال ٧/٢، نقد الرجال ٦٥، جامع الرواة ١/١٤٤، بهجة الآمال ٢/٤٨٧، إيضاح المكنون ١/٣٠٤ و ٢/٣٠٩ و ٣/٣١٩ و ٤/٣٤٨، تنقيح المقال ١/٢٠١ برقم ١٦٢١، تأسيس الشيعة ٣٥٨، أعيان الشيعة ٤/٥١، الدرعية ٤/٢٦٨ برقم ١٢٤٥، الأعلام ٢/١٠٥، الإمام الصادق والمذاهب الأربعة ٢/٤٤٧، معجم المؤلفين ٣/١٠٦، معجم رجال الحديث ٤/١٧ برقم ٢٠٢٥، قاموس الرجال ٢/٣٣٣، موسوعة طبقات الفقهاء ١/٣٠٧ برقم ١١٠.

حكمت بشير ياسين، استدراقات تاريخ التراث العربي، قسم التفسير و
علوم القرآن، الجزء الثاني، جدة 1422. ص. 64. ISAM 090255

٣٦- تفسير القرآن*

CABIR e l-CU'FI?

لجابر بن يزيد بن الحارث، الجعفي، أبي عبد الله (ت ١٢٨هـ)

ذكره البغدادي^(٥) والزركلي^(٦).

^(٥) هدية العارفين ١/٢٤٩.

^(٦) الأعلام ٢/٩٣. وانظر معجم المفسرين ١/١٢٣-١٢٤.

۴۳۶/۴-۴۳۷؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر تلخیص ابن منظور، ۱۱/۲۳۵-۲۳۶؛
معجم رجال الحديث، ۱۷۸/۹-۱۷۹؛ موسوعة البرغانی فی فقه الشیعة،
۲۷۲/۷-۲۷۷؛ میزان الاعتدال، ۳۵۷/۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۵/۲۵۶-۲۶۱؛

النقص، عبدجلیل قزوینی، ۲۱۳ به بعد

تفسیر سدی [=تفسیر الشدی الکبیر]، از ابو محمد اسماعیل
(۱۲۷ق) فرزند عبدالرحمن القرشی هاشمی تابعی کوفی معروف
به سدی کبیر، از مفسرین امامیه و از اصحاب سه تن از ائمه
اطهار(ع) حضرت سجاد و امام محمد الباقر و امام جعفر الصادق
علیهم السلام. ابن حجر در تقریب التهذیب می گوید «... انه صدوق
متهم بالتشیع...» و داودی در طبقات المفسرین از او و تفسیرش و
گرایشش به تشیع یاد کرده است. سیوطی در الاتقان تفسیر وی را از
بهترین تفاسیر می داند. و نیز ائمه حدیث مانند ثوری و شعبه از وی
روایت کرده اند. آقا بزرگ تهرانی در الدررمة می نویسد که اسماعیل
بن موسی فزاری سدی کوفی (م ۱۴۵ق) که با این سدی در نام و
کنیه و لقب و مذهب مشارکت دارد و با او معاصر است غیر از
اوست، و مفسر نیست. از احفاد وی محمد بن مروان بن عبدالله بن
اسماعیل معروف به سدی صغیر است (م ۱۸۶ق) که راوی تفسیر
ابن عباس از محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶م) می باشد.

منابع: اعیان الشیعة، ۳۷۹/۳؛ تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ۳۲۶؛
الذریعة، ۲۷۶/۴؛ ابن داود، ۵۷؛ رجال شیخ طوسی، ۱۰/۴۱۲، ۱۴۸؛ ذکر
اخبار اصفهان، ۲۰۴/۱ (چاپ لیدن، ۱۹۳۱م)؛ طبقات المفسرین داودی،
۱۰۹/۱؛ معجم الادیاب، ۱۳۱۷؛ النجوم الزاهرة، ۳۰۴/۱؛ مفسران شیعه، ۶۷-۶۸؛
جامع الرواة، ۹۸/۱-۹۹.

تفسیر جابر الجعفی، اثر ابو عبدالله جابر (م ۱۲۷ یا ۱۲۸ یا
۱۳۲ق) فرزند یزید بن الحرث بن عبد یغوث جعفی تابعی از
مفسران شیعه و محدثین تابعین بود. حدیث و تفسیر را از محضر
امام محمد باقر (ع) اخذ کرد و از خواص و ملازمین امام علیه
السلام بود. ابن حجر در تهذیب التهذیب وی را از ضعفا و رافضی
دشنام دهنده به اصحاب النبى (ص) وصف کرده است. در کتب
رجالی شیعه او را توثیق و عدل می خوانند و ابو العباس نجاشی
(م ۴۵۰ق) وی را از اصحاب حضرت امام باقر و حضرت صادق
(ع) ذکر نموده است و نیز تفسیر وی را با پنج واسطه از او روایت
نموده است. شیخ طوسی در رجال خود وی را از اصحاب حضرت
باقر (ع) و حضرت ابی عبدالله جعفر الصادق (ع) ضبط کرده
است. تفسیر مورد بحث به زبان عربی و به شیوة منقول و مأثور
است و این تفسیر از املاء حضرت امام ابی جعفر محمد الباقر (ع).
فرات کوفی در تفسیر خویش معروف به تفسیر فرات سی و دو
عنوان اسناد تفسیر آیات را از وی نقل کرده است که تمامی آنها در
شان و فضایل حضرت امیر المؤمنین علی (ع) و خاندان عصمت و
طهارت است. از جمله در تفسیر آیه ۴۸ سورة النساء «إِنَّ اللَّهَ لَا

زید نسبت می دهند که آنها نیز موجود هستند: ۱- تفسیر قرائت زید
۲- تفسیر مدخل الی القرآن لمواضع مختارة منه ۳- تفسیر غریب
القرآن المجید.

منابع: اعیان الشیعة، ۱۰۷/۷؛ الاعلام، ۵۹۱/۳؛ تاریخ الادب العربی،
کارل بروکلمان، ۳۲۲/۳؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، ۱۴۹/۹؛ تفسیر فرات،
کوفی، ۱۲۲؛ تهذیب الاحکام، ۲۳۵/۸؛ تهذیب التهذیب، ۳۶۲/۳؛ خلاصة
التهذیب، ۱۲۹؛ رجال شیخ طوسی، ۸۹ به بعد؛ سیر اعلام النبلاء، ۵/۳۸۹؛
شذرات الذهب، ۱۵۸/۱؛ تاریخ الاسلام، ۷۴۱/۵؛ الطبقات الکبری، ابن سعد،
۳۲۵/۵؛ فتاوی الوصیات، ۳۵۱/۲؛ معجم رجال الحديث، ۳۴۵/۷؛ معجم
المؤلفین، ۱۹۰/۴؛ مقاتل الطالبیین، ۱۲۷؛ مؤلفات الزیدیه، ۳۰۷/۱ به بعد؛
من لا یحضره الفقیه، ۱۲۶/۱-۱۲۸ به بعد

تفسیر عاصم، اثر ابوبکر عاصم (م ۱۲۷ یا ۱۲۸ق) فرزند
ابی النجود بهدالله اسدی کوفی از مفسران شیعه و یکی از قراء هفت
گانه معروف قرن دوم هجری. وی ایرانی تبار و از هم پیمانهای قبیله
بنی اسد بود. او فنون قرآن کریم و قراءات را از عبدالرحمن سلمی
فراگرفت. سلمی خود از شاگردان حضرت امیر المؤمنین علی(ع)
بود و در علوم قرآن مخصوصاً در قراءات مقام شامخی داشت. او
مورد وثوق سنی و شیعه می باشد. و نیز دو روایت در تفسیر و
قراءات عاصم مشهور است نخست روایت حفص بن سلیمان بزاز
که فرزند همسر دوم او بود و روایت دوم: ابی بکر بن عیاش حفص
می گوید که عاصم به من می گفت قرائتی را که به تو آموختم همان
قرائتی است که از عبدالرحمن سلمی فرا گرفتیم و او از حضرت
امیر المؤمنین علی(ع) روایت کرده است و هر آنچه را که به ابوبکر
بن عیاش آموختم همان قرائتی است که از زرین حبیب فرا گرفتیم و
او از ابن مسعود نقل می کند. تفسیر مورد بحث به زبان عربی است و
در اکثر تفسیرهای عامه و خاصه مخصوصاً در قسمت قراءات ذکر
شده است و مورد اعتماد فحول علمای شیعه می باشد علامه حلی در
کتاب خود المتهذیب می نویسد: «بهترین قراءات نزد من قراءت عاصم
از طریق روایت ابوبکر عیاش می باشد». این تفسیر در کتب فقهی
امامیه کتاب صلاة باب قراءات بسیار نقل شده است. بحر العرفان
بسیاری از باب قراءات از عاصم نقل کرده است. ابن ندیم در
الفهرست عاصم را در طبقه سوم کوفیان بعد از یحیی بن وثاب یاد
کرده است. وفات او را سال ۱۲۸ ق ضبط نموده است. همچنین آیت
الله خونی در معجم رجال الحديث می گوید یکی از قاریان هفتگانه
مشهور می باشد و نیز قرائت او از طریق حفص بسیار معروف است
و هر چه از مصاحف قدیم و جدید را مشاهده نموده ام تمامی آنها
رسم الخط خود را بر مبنا و اساس قرائت عاصم نهاده اند.

منابع: الاعلام، ۲۴۸/۳؛ اعیان الشیعة، ۴۰۷/۷؛ تأسیس الشیعة لعلوم
الاسلام، ۳۴۶-۳۴۷؛ تهذیب التهذیب، ۳۶-۳۰/۵؛ تاریخ الکبیر، ۴۸۷/۶؛
الجرح والتعديل، ۳۴۰/۶؛ خلاصة التهذیب، ۱۸۲؛ ریحانة الادب،

14 AGUSTOS 1996

السيد حسن الصدر ، تأسيس الشيعة ،
ص ١٩٨١ ، بيروت

بلا ص ٢٣٥
والتابعين لا غير .

النجاشي المسمى فهرست اسماء مصنفى الشيعة

Câbir el-Cu'fî

وكتاب فهرست الشيخ ابى جعفر الطوسى رضى الله تعالى عنهما .

واول من صنف كتابا يجمع المبتدأ والمغازى والوفاة والردة .

ابان به عثمان الاحمر

ابان بن عثمان الاحمر ، ذكره النجاشي عند ترجمته له وقال بعد ذكر الكتاب:
كتاب حسن كبير وذكر طريقه الى روايته ، وaban المذكور من التابعين الكبار الفضلاء
من اصحاب ابى عبدالله الصادق عليه السلام ، كان من الناووسية ثم صار من الشيعة
الامامية ، واختص بالامام ابى عبدالله الصادق وهو من اهل البصرة ، كان مولى
بجيلة وكان سكن الكوفة قال : فى البلغة : اخذ عنه ابو عبيدة وغيره ، وذكره
السيوطى فى طبقات النحاة بعنوان ابان بن عثمان بن يحيى اللؤلؤى الاحمر ، وحكى
فيه ما حكياه عن البلغة وانه له عدة تصانيف مات بعد الاربعين ومائة من الهجرة .

مشاهير ائمة علم السير

الصحيفة الثالثة فى مشاهير ائمة علم السير والمغازى والاحبار والتواريخ وعلم
الرجال والروايات والطبقات .

ابان به تغلب

منهم : ابان بن تغلب المتقدم ذكره ، من كبار التابعين واصحاب على ابن
الحسين صنف كتاب صفين وتوفى سنة احدى واربعين ومائة .

لوط به يحيى

ومنهم : لوط بن يحيى بن سعيد ابن مخنف بن سالم او سليمان او سليم ، قال
ابن النديم فى الفهرست وكان ابو مخنف بن سليم من اصحاب على عليه السلام ،
وروى عن النبي صلى الله عليه وآله قال النجاشي فى كتاب فهرست اسماء المصنفين
من الشيعة : الازدى الفامدى ابو مخنف شيخ اصحاب الاخبار بالكوفة ، من
الشيعة ووجههم ، كان يسكن الى ما يرويه ، وقد قيل فيه انه من اصحاب امير المؤمنين
والحسن والحسين ، قال الشيخ ابو جعفر الطوسى : والصحيح ان ابان كان من
اصحاب امير المؤمنين ، وهو لم يلقه ولوط بن يحيى من الكتب على ما فى فهرست
ابن النديم كتاب الردة ، كتاب فتوح الشام ، كتاب فتوح العراق ، كتاب الجبل ،
كتاب صفين ، كتاب اهل النهروان والخوارج ، كتاب الغارات ، كتاب الحرث بن

علماء المائة الثالثة وقبلها
لان عند الشيعة ، وهو
سنة ٤٢٩ ، وعلى ابى
حزم المتوفى سنة ٤٥٦ ،
ذلك على هؤلاء المتأخرين
ما عليه حتى نشكره ولا
ذلك فانه متأخرا ايضا
مد بن محمد الاصفهاني
وحواليها من علماء
شيعة ، وكتاب الآراء
ففى فهرست مصنفاته فى
سوف المتكلم المبرز على
تية ، وصنف فى ذلك
السنة ، السيد الجليل
الكاظم عليه السلام له
بن بابويه .

س .
رافع هو :

ثمان وعشرين ومائة ،
المؤمنين عليه السلام .

ابى يحيى
الازدى